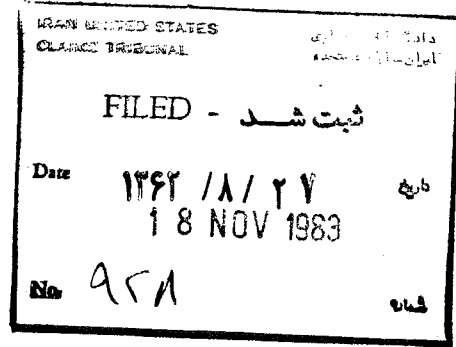


پرونده شماره ۹۲۸

شعبه سه

قرار موقت شماره ۳-۹۲۸-۳۱



سی . بی . ا . اینترنشنال دیولوپمنت کورپوریشن ،

خواهان ،

- و -

دولت ایران ،

خوانده .



قرار موقت

- ۲ -

اول - شرح جریان دعوی

در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۲ (۲۹ دیماه ۱۳۶۰) خواهان سی.بی.ا. اینترنشنال دیولوپمنت کورپوریشن، ادعائی را نزد دیوان به طرفیت دولت ایران به ثبت رساند، و ضمن آن پرداخت مبالغی را که حسب ادعا طبق قرارداد مورخ ۳۱ مه ۱۹۷۸ (۱۰ خردادماه ۱۳۵۷) منعقد بین خواهان و وزارت جنگ خوانده جهت عرضه پاره‌ای تجهیزات و خدمات نظامی، واجب الادا می باشد، خواستار گردید.

در تاریخ ۳ فوریه ۱۹۸۳ (۱۴ بهمن ماه ۱۳۶۱)، وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران ("وزارت دفاع") لایحه دفاعیه‌ای به ثبت رسانده و ضمن آن، از جمله، اظهار نمود که ماده ۲۳ قرارداد حاوی قیدی در مورد انتخاب دادگاه است که به موجب بند ۱ ماده دویبیا نیه حل و فصل دعاوی ادعا را از حیطه صلاحیت دیوان خارج می سازد. خوانده، همچنین ادعای متقابلی جهت خسارات ناشی از فسخ یکجانبه ادعائی قرارداد توسط خواهان، اقامه نمود.

در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۸۲ (۴ آذرماه ۱۳۶۱)، وزارت دادگستری از جانب دادگاه عمومی شماره ۱۹ تهران احضاریه‌ای صادر نمود که طبق آن خواهان می بایست در تاریخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۳ (۲۸ فروردینماه ۱۳۶۲) در رابطه با دعوائی که وزارت جنگ، علیه آن اقامه کرده، در دادگاه حضور بهم رساند.

در تاریخ ۱۸ مارس ۱۹۸۳ (۲۷ اسفندماه ۱۳۶۱) خواهان پیشنهادی را نزد دیوان ثبت و ضمن آن از دیوان تقاضا کرد دستوری جهت ختم یا توقیف رسیدگی در دادگاه تهران صادر نماید.

دیوان در تاریخ ۲۵ مارس (۵ فروردینماه ۱۳۶۲) دستوری صادر و ضمن آن مقرر داشت که خوانده تا ۵ آوریل ۱۹۸۳ (۱۶ فروردینماه ۱۳۶۲) پاسخ پیشنهاد خواهان را همراه با نسخه‌ای از دادخواست تسلیمی به دادگاه تهران به ثبت رساند. طی دستور از خوانده خواسته شد که از دادگاه عمومی شماره ۱۹ تهران بخواهد که

- ۳ -

جلسه استماع مقرر برای ۱۷ آوریل ۱۹۸۳ (۲۸ فروردین ماه ۱۳۶۲) را تا اتخاذ تصمیم توسط دیوان در خصوص پیشنهادهای آنها، به تعویق اندازد. در دستور مذکور قید شده بود که دیوان داوری قصد دارد بر اساس مدافعات و مدارک کتبی اتخاذ تصمیم نماید، مگر آنکه تا ۵ آوریل ۱۹۸۳ (۱۶ فروردین ماه ۱۳۶۲) هر یک از طرفین درخواست نمایند که در مورد پیشنهادهای مذکور جلسه استماع شفاهی برگزار شود. هم مهلت مثبت پاسخ و هم مهلت درخواست برگزاری استماع شفاهی، بعداً " تا ۱۱ آوریل ۱۹۸۳ (۲۲ فروردین ماه ۱۳۶۲) تمدید شد.

تا تاریخ ۱۱ آوریل ۱۹۸۳ (۲۲ فروردین ماه ۱۳۶۲) هیچیک از طرفین درخواستی برای برگزاری استماع شفاهی در مورد پیشنهادهای آنها، در دیوان به ثبت نرساند.

قائم مقام نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران طی نامه مورخ ۲۵ آوریل ۱۹۸۳ (۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) اطلاع داد که خواننده موفق شده است استماع مقرر در دادگاه عمومی تهران را به تعویق اندازد.

در تاریخ ۳ مه ۱۹۸۳ (۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) خواننده نسخه‌ای از شکوائیه مربوط به جریان دادرسی مطروح در دادگاه عمومی تهران را به ثبت رساند. در تاریخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۳ (۲۴ تیر ماه ۱۳۶۲)، خواننده پاسخ خود به پیشنهادهای مورخ ۱۸ مارس ۱۹۸۳ (۲۷ اسفند ماه ۱۳۶۱) خواهان را ثبت کرد. در ۴ اوت ۱۹۸۳ (۱۳ مرداد ماه ۱۳۶۲) لایحه دیگری نیز درباره مسأله جریان دعوای مطروح در ایران، ثبت گردید.

در دستور مورخ ۲۵ مارس ۱۹۸۳ (۵ فروردین ماه ۱۳۶۲) فوق‌الذکر، همچنین مقرر شده بود که طرفین تا ۲۵ آوریل ۱۹۸۳ (۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) لوایحی در خصوص این موضوع به ثبت رسانند که آیا ماده ۲۳ قرارداد، به موجب بند ۱ ماده دویبانیه حل و فصل دعوای ادعای را از حیطه صلاحیت دیوان خارج می‌سازد یا خیر. مهلت مثبت لایحه خواننده متوالیا " تا ۵ اوت ۱۹۸۳ (۱۴ مرداد ماه ۱۳۶۲) تمدید گردید.

خواهان در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۸۳ (۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) لایحه‌ای در خصوص این

- ۴ -

موضوع به ثبت رسانند. خواننده، طی نامه‌ای به تاریخ همان روز که توسط قائم مقام نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران تسلیم شد، درخواست کرد جلسه استماعی در مورد موضوع فوق برگزار شود. خواننده، طی لایحه مورخ ۴ اوت ۱۹۸۳ (۱۳ مرداد ماه ۱۳۶۲) خودبه‌ما هیت موضوع فوق پرداخته است.

دوم - تا شیر قیداً انتخاب مرجع رسیدگی مندرج در قرارداد

نظر به اینکه خواننده درخواست کرده است که جلسه استماعی در خصوص این موضوع برگزار شود که آیا آخرین قیداً استثنائی مندرج در بند ۱ ماده دویانی حل و فصل دعاوی به موجب ماده ۲۳ قرارداد مورخ ۳۱ مه ۱۹۷۸ (۱۰ خرداد ماه ۱۳۵۷) ادعای آن را از حیطه صلاحیت دیوان خارج می‌سازد یا خیر، دیوان رسیدگی به این مسأله را تا تشکیل جلسه استماعی که قرار است در تاریخ اول دسامبر ۱۹۸۳ (۱۰ آذر ماه ۶۲) انجام گیرد، به تعویق می‌اندازد.

سوم - درخواست صدور قرار موقت

بند ۲ ماده هفت بیانی حل و فصل دعاوی مقرری دارد که "ادعاهائی که به دیوان داوری ارجاع می‌شود، از تاریخ ثبت در دیوان، از صلاحیت دادگاههای ایران، یا ایالات متحده، یا هر دادگاه دیگر خارج خواهد بود".

دیوان داوری قبلاً اعلام کرده است که با اینکه شرط مزبور صلاحیت رسیدگی به ادعاهائی را که ممکن بود به صورت ادعاهای متقابل ارائه شود، ولی به این صورت ارائه نشده باشد، منحصر "به دیوان داوری نمی‌دهد، معذک "نتیجه‌ای که از قید مزبور حاصل می‌شود این است که به مجرد اینکه ادعای متقابلی در دیوان مطرح گردید، چنین ادعائی از صلاحیت هر دادگاه دیگری مستثنی خواهد بود". ای-سیستمز، اینکورپوریتد علیه ایران، قرار موقت شماره ۳۸۸ - ۱۳ - دیوان عمومی.

از مدارکی که خواننده به ثبت رسانده بنظر می‌رسد که شکوائیه‌ای که توسط وزارت

- ۵ -

دفاع علیه خواهان در دادگاه عمومی تهران مطرح گردیده، همان ادعائی عنوان شده که در ادعای متقابل ثبت شده در دیوان داوری در مورد پرونده حاضر ذکر گردیده است.

بنا بر این، به نظر می رسد که موضوع ادعای متقابل از تاریخ ثبت آن در دیوان داوری از حیطه صلاحیت دادگاههای ایران خارج است، مگر آنکه دیوان داوری تصمیم بگیرد که صلاحیت رسیدگی بدان را ندارد.

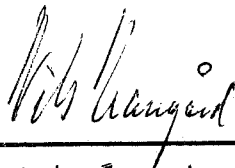
بدین قرار، درخواست مربوط به توقیف جریان دعوی در ایران باید پذیرفته شود.

پنجم - دستور و حکم

دیوان داوری به شرح زیر حکم صادر می کند:

بدینوسیله از خواننده، دولت جمهوری اسلامی ایران تقاضا می شود کلیه اقدامات مقتضی را به عمل آورد تا جریان دادرسی مطروح در دادگاه عمومی شماره ۱۹ تهران در رابطه با شکوائیه فوق الذکر وزارت دفاع، تا صدور رای دیوان مبنی بر عدم صلاحیت نسبت به دعوی، متوقف شود.

لاسه، به تاریخ ۱۸ نوامبر ۱۹۸۳ برابر با ۲۷ آبان ماه ۱۳۶۲



نیلس منگارد

رئیس شعبه سه

بسمه تعالی

اینجا نب با تصمیم اکثریت در خصوص توقف دادرسی در محاکم ایران مخالفم. این مخالفت بجهت ذیل است:

اولاً "تا زمانی که صلاحیت این دادگاه داوری که مرجعی بسا صلاحیت محدود و مضیق است روشن نگردیده، صدور چنین دستوری غیر قابل قبول و غیر منطقی با کلیه موازین قانونی است. لذا چنین مرجعی نمی تواند دستوری در خصوص توقف دادرسی در محکمه ای که دارای صلاحیت عام است صادر کند.

ثانیاً "قبل از بررسی شرط حل اختلاف و انتخاب مرجع مندرج در قرارداد، صدور چنین دستوری، نوعی پیش داوری و تشخیص صلاحیت است. در این مورد توجه دادگاه را به دستور جلسه تعیین شده برای روز اول دسامبر ۱۹۸۳ جلب می نماید.

- ۶ -

ثالثاً " همانگونه که در نظرات مخالف اینجانب و سایر
داوران ایرانی در مورد دستورهای موقت توقف دادرسی
در محاکم ایران درج گردیده است ، توقف دادرسی در
دادگاه های ایران مقررات خاصی دارد که در این موارد
نمی تواند قابل اعمال باشد و بنا بر این درخواست از
دولت جمهوری اسلامی ایران درخواستی تلقی می گردد
که قانوناً " اجرای آن مقدور نیست .

پرویز انصاری
پرویز انصاری معین

ریچارد ام. ماسک